

ماشین کشتار رژیم ننگین اسلامی ایران را باید متوقف کرد!

بیش از سه ماه از جنبش انقلابی مردم علیه رژیم ج. ا. می گذرد. پیشتازان این جنبش، دختران و پسران جوان و زنان هستند. در این مدت رژیم به طرق مختلف سعی در سرکوب این جنبش انقلابی نموده است.

در شهر زاهدان طی یک کشتار جمعی فقط در یک روز بیش از نود نفر توسط گزرمه های رژیم با تیر مستقیم به هلاکت رسیده اند.

ضرب و شتم دختران پیشرو، تجاوز وحشیانه به آنها و سپس پرتاب شان از پشت بام که قتل نیکا، حدیث و آیلان نمونه های چنین بربریتی محسوب می شوند.

شلیک به سرو صورت معترضان از جمله شلیک مستقیم به سینه و پائین تنه ی دختران و زنان بر اساس گزارش مستند روزنامه ی گاردین و شبکه ی خبری سی ان ان و استعمال مواد دارویی برای زیر فشار گذاشتن زندانیان که از جمله 24 ساعت بعد از مرخصی از زندان منجر به خودکشی بعضی از دانشجویان دانشگاه شریف و پلی تکنیک گردیده است.

ایراد ضربات مرگبار به جمجمه ی جوانان با باتوم و آلاتی شبیه گرز که در موارد بیشماری منجر به آسیب های شدید مغزی گردیده است.

اینها فقط نمونه های کوچکی از شیوه های متنوع وحشیانه و غیر انسانی ماموران انتظامی، امنیتی و لباس شخصی رژیم بر علیه معترضین خیابانی محسوب می شوند.

ولی علیرغم تمامی سرکوبها و کشتار مردم بی گناه، جنبش مردم جان به لب رسیده نزدیک به سه ماه است که ادامه یافته و تداوم جنبش در اکثریت مطلق شهر ها، دانشگاهها و مدارس کشور در اشکال تظاهرات خیابانی، اعتصابات کارگران، معلمان، رانندگان، کامیونداران، اصناف و ... رژیم را به استیصال کشانده است.

سردمداران رژیم اسلامی در هفته های اول هنوز امید آن داشتند که همانند دفعات قبلی با کشتار چند صد نفر خیزش مردم را سرکوب بکنند. لیک بعد از گذشت نزدیک به سه ماه از شروع اعتراضات، هنوز جوانان انقلابی هر روز و هر شب به طرق مختلف به باروهای استبداد حمله ور می شوند و در پایان سه ماه نبرد بی امان، رژیم را در داخل و خارج به گوشه ی رینگ رانده و در تنگنا قرار داده اند.

رژیم سفاک، ناامید از جمع کردن اعتراضات حال به دستور مستقیم شخص خامنه ای به اعدام جوانان بازداشتی روی آورده است.

در دو سه روز اخیر دو نفر از این جوانان مبارز با نامهای محسن شکاری و مجید رضا رهنورد طی محاکمه ای قلابی در بیدادگاههایی که دادگاههای صحرایی زمان جنگ را تداعی می کنند، محکوم و به چوبه ی دار سپرده شدند.

محسن شکاری کارگری بود ۲۳ ساله که در تهران اعدام شد و مجید رضا رهنورد نیز جوانی ۲۳ ساله بود که در شهر مشهد در ملأ عام به دار آویخته شد.

رژیم برای ترساندن جوانان و خانواده های آنها به آخرین حربه اش یعنی اعدام متوسل شده است، لیکن از همین حالا می توان با قاطعیت اعلام کرد که همه ی این جنایات و ترفندها نه تنها گرهی از کلاف سر در گم رژیم منفور اسلامی باز نخواهد کرد، بلکه چهره ی کریه خونریز آنرا منفورتر از پیش نشان داده و حتی موجب ریزش در میان آخرین حامیانش از جمله روحانیون خواهد شد.

بر همگان روش است که در این سه ماه اخیر رژیم بیش از پیش در افکار عمومی دنیا رسواتر شده و با ادامه ی رزم جوانان جان بر کف هر چه بیشتر منزوی تر خواهد شد.

حال که رژیم شمشیر از رو بسته و برای بقای خود از هیچ جنایتی رویگردان نیست، حفظ جان جوانان عزیز ما و بخصوص اسیران دربند ضرورتی تام دارد.

باید با تمام توان کوشید ماشین کشتار جهنمی رژیم را متوقف کرده و جلو اعدام عزیزان دربند را با هر وسیله‌ی ممکن گرفت.

همبستگی همه‌جانبه با خانواده‌های زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام باید یکی از هدفهای اصلی و مبرم شرکت کنندگان جنبش در داخل و خارج از کشور باشد.

تداوم، پایداری و گسترش جنبش در داخل و خارج به تحلیل نیروی سرکوب رژیم و انزوای هر چه بیشتر آن در جامعه‌ی بین‌المللی خواهد انجامید.

با افشگری‌های بی‌امان در خارج از کشور نه تنها انزوای رژیم را می‌توان شدت بخشید، بلکه با بستن راههای تنفس آن می‌توان رژیم را هر چه بیشتر تضعیف نمود.

جیره‌خواران رژیم در داخل و عمال، کارگزاران و ماموران نشاندار و بی‌نشان و لویی‌های آن در خارج نباید احساس آسودگی بکنند. آنها باید بدانند که برای تک‌تک اعمالشان در مقابل مردم و دادگاه‌های عدالت پاسخگو خواهند بود.

ماشین کشتار و اعدام باید بلافاصله متوقف گردد.

نباید اجازه داد که رژیم با استفاده از بی‌کسی و بی‌پناهی جوانان دربند آنها را بی‌نام و نشان به دست جلادان اش بسپارد. زندانیان شهرستانی که در زندانهای تهران و کلان‌شهرها زندانی هستند، بخاطر بی‌کسی طعمه‌ی آسانی برای جلادان محسوب می‌شوند.

باید رژیم را برای هر جنایت اش، هر شکنجه‌ای که نسبت به این اسرای دست‌بسته در سیاهچالهایش روا می‌دارد و هر تار موی این عزیزان پاسخگو کرد!

لازمه‌ی این کار در درجه‌ی اول شناسایی این عزیزان و تهیه‌ی لیست اسامی آنها و ارائه‌اش به سازمانهای بین‌المللی حقوق بشری می‌باشد.

هیچ زندانی در بند نباید احساس بی‌کسی و بی‌پناهی بکند. مردم انقلابی باید همچون تنی واحد بدل به حائلی میان جلادان و فرزندان در بندشان بشوند. نباید فراموش کرد که فرزندان اسیر آنها گناهی جز آرزوی نیک بختی و آزادی مردم کشور خود نداشته‌اند.

نابود باد رژیم اسلامی جنایتکار، قاتل جوانان، ضد انسان، ضد زندگی و ضد آزادی حاکم در کشور...!

پر توان و گسترده باد همبستگی و همدلی با خانواده‌های کشته‌شدگان، اعدام‌شدگان و زندانیان جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی...»!

زنده و گسترده‌تر باد همبستگی بین‌المللی با مردم انقلابی ایران...!

جنبش فدرال دمکرات آذربایجان

۲۱ آذر ۱۴۰۱ - ۱۲ دسامبر ۲۰۲۲